



۲۰۲۴/۰۴/۱۲



خلیل الله معروفی

## تذکر:

از خوانندگان ارجمند و بالخاصه از "عزیزان منتظر" صمیمانه معذرت میخوام، که این نوشته را با این همه تأخیر تقدیم میکنم. گرفتاریها و مشکلات شخصی و تشننت افکار همه دست به دست هم دادند تا این نوشته زودتر ارائه نگردد!!!

(خلیل معروفی - جرمنی - ۹ اپریل ۲۰۲۴)

## چرا آقای "حامد فارانی" بر اشتباه املائی خود

### «لکه ونه مستقیم پخپل مکان دی؟؟؟»

از شاعر بزرگ و زبردست زبان ارجمند پشتو، حضرت "رحمان بابا"، این بیت شاهوار به یادگار مانده است:

لکه ونه مستقیم پخپل مکان یم

که بهار را باندی راشی، که خزان

"حضرت رحمان بابا" با تقدیم چنین یک بیت بی هنجار، نه تنها یک مفهوم برجسته از عزم استوار را بیان میکند، مگر اگر به ترکیب لغوی این بیت و بالخاصه مصراع دومش خیره شویم، درمیابیم، که این بیت "شیر و شکر" است و شاعر هردو زبان "دری و پشتو" را از خود میداند؛ و اینست، که در ترکیب این شاهبیت، از هردو زبان استفاده میکند. من، که عاشق سخنان "نغز و بی شائبه و مردمدوستانه و عاری از تعصب" هستم، مصراع اول این بیت را تیمناً در عنوان این مقاله گنجاندم.

ضمن مقاله حاضر نکاتی را تقدیم میکنم، که به مبحث "املاء و انشاء" و به اصطلاح جدیدخیالان، "درستنویسی"، ارتباط میگیرد، که دامنه اش تا کجاها و ناکجاها میرسد.

تبصره دوم و کاملاً بجای و بمورد "استاد باری جهانی" در مناظرات ۲۴ مارچ ۲۰۲۴ پورتال "افغان جرمن آنلاین" انگیزه نوشتن این مقاله گشت؛ چنان، که تبصره اول ایشان در زمینه نیز باعث شد تا مقاله ای بنگارم و نویسنده عزیز ما، آقای "حامدجان فارانی" را متوجه اشتباه املائیش بنمایم. بلی؛ مدتها قبل ضمن یک مقاله و چند کامنت نوشتم، که عنوان سلسله مقالات و طنزدار جوان ما، آقای "حامدجان فارانی"، غلط است و از دو اشتباه مشهود و کاملاً جلی و نمایان رنج میبرد:

- یکی ترتیب تحریر "قلمرو" در پیوند اضافی با "اسلام"

- و دیگر ترتیب تحریر کلمه مرگب "اندیشه‌مند"

و نیز نوشتم، که آن عنوان باید به ترتیب ذیل اصلاح گردد:

«قلمرو اسلام از نگاه اندیشه‌مندان غربی»

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

درین عنوان کلمه "قلمرو" به حیث "مُضاف" و کلمه "اسلام" به حیث "مُضاف‌الیه" عرض اندام میکنند؛ و این بدین معناست، که کلمه "قلمرو" به حیث "مُضاف" با کلمه "اسلام" به حیث "مُضاف‌الیه" در یک "پیوند اضافی" قرار گرفته است؛ بس خلاص!!!

ضمن نوشته‌های سابق دلائل لازم و کافی از "صرف و فونتیک" زبان دری افغانستان آوردم و گفتم، که:  
- چون در "زبان دری افغانستان" کلمه "قلمرو" به فتح حرف "ر" تلفظ میشود، ازین خاطر در "پیوند اضافی" با کلمه بعدی - که درینجا کلمه "اسلام" است - باید "علامت اضافه" حتماً و بدون چون و چرا در هیئت "کسره" در زیر حرف "و" نوشته شود!!!

چون آقای "حامد فارانی" اشتباه خود را اصلاح نکرد و به نوشته‌ها هم وقعی قائل نگشت، باز دست به قلم میبرم و این نوشته را تقدیم میکنم؛ با این امید واثق و جدی، که:

آقای گلم، "حامدجان فارانی"، اشتباه املائی خود را تصحیح میکند، در غیر آن بدین نتیجه مرسیم، که این کار خارج از اراده اوست!!!

آقای "حامدجان فارانی" به تاریخ ۶ اپریل ۲۰۲۴ به جواب جناب "استاد باری جهانی" کامنت سردرگم و کلاً بی سر و بی پائی را در مناظرات "افغان جرمن آنلاین" نوشت؛ و کاش اصلاً چنین کامنتی را ننویشت!!! وی ضمن این کامنت، که از هیچ نگاه قابل قبول نیست، به نوشته کسی تمسک گرفت، که خود "گمراه زبان" است؛ و سخنانش در هیئت "سفسطه‌بافی" و در واقع "بازی با ریش‌بابا" را به خود میگیرد، که هیچ ارزش زبانی و دستوری ندارد. من شخصاً چنین اراجیف را جدی نمیگیرم و میگذارم، که آن "گمراه علی‌الدوام" در میان و میدان "مغلطه و مغالطه" خود، "دستک و پایک" بزند!!! به هر حال:

من اینبار مسأله را با طیف به مراتب گسترده‌تر و عامفهم‌تر و در سطح "کورس اکابر" به بررسی میگیرم و جداً و صمیمانه آرزو میکنم، که جناب "حامدجان فارانی" از یک طرف و همه "مخاطبان دیگراندیش" - و بعض کسان "هفته‌فهم" و "کورمغز" - از طرف دیگر، موضوع را با جدیت تمام مدّ نظر بگیرند و این همه یاداوریه‌های عامفهم را به دقت بخوانند؛ و در صورت ضرورت چندبار بخوانند!!!

مقدمتاً باید گفت، که اساسات "فونتیک زبان دری/فارسی" حکم میکنند، که:

### **حرف اول کلمات در این زبان، همیشه متحرک و حرف آخر آنها همیشه ساکن باشد!!!**

ازین جمله کلماتی را مدّ نظر میگیرم، که مختوم به حرف "و" باشند:

کلمات مختوم به "و"، که حرف ماقبل آنها "صامت" یا "بیصدا" و به حساب صرف عربی "صحیح" باشد، در زبان دری افغانستان بسیار زیاد مورد استعمال قرار دارند؛ و من درینجا سه دسته و یا کتگوری ذیل را پیش میکشم، که به موضوع ما ارتباط میگیرند:

۱ - الو، پلو، پلو، نو، جلو، چلو، خَلو (آبگین)، پایدو، پیشرو، قلمرو، برشو، ستکندو، پرتو، پیرو، رهرو، پیاده‌رو، جو، مو (مهمل "جو")، مو (خلص نام "موتسه دونگ")، آبرو، بیو، قندو (تلفظ عامیانه از "قنداب")، افتو (تلفظ گفتاری

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

از "آفتاب"، ماتو (تلفظ گفتاری از "ماهتاب")، شو (تلفظ گفتاری از "شب")، پرچو (اصطلاح عامیانه و به معنای "خاموش")، پیتو، پیچتو (تلفظ گفتاری از "پیچتاب")، گسو (اصطلاح پهلوانان و مرغبازان و بودندن بازان)، .... در فوننتیک معمول چنین کلمات در "زبان دری افغانستان"، حرف ماقبل "و" همیشه و مدام الوقت "مفتوح" تلفظ میشود؛ یعنی "زَبَر دار".

۲ - گلو، رُو، مُو، سُو، بُو، جُو، فالتُو، اولیجائُو، منتُو، ناتو (پیمان نظامی اتلاننتیک شمالی)، ترازو، کوماندو، آبرو، ابرو، پیش رُو، خودرُو، جادو، لُو، بُو، خالو، ناجو، سبو، پهلو، سادو، نیرو، ترسو، کندو، خُشو، نُشو، سُو، آلو، زردالو، کچالو، لبلبو، جست و جو، گفت و گو، شست و شو، چربو، شمشتو، شبو، ....

طبق "فوننتیک معمول دری افغانستان"، حرف ماقبل "و" این کلمات، همیشه مضموم است؛ یعنی "پیش" دارد.

۳ - مرو، سرو، تدرُو (مرغ دشتی)، محو، نحو، لهو، سهو، بدو، صحو (لغت عرفانی و صوفیگری)، .... درین دسته از کلمات، که اغلب عربی الاصل هستند و تعداد آنها زیاد هم نیست، حرف قبل از "و" همیشه ساکن است؛ یعنی هیچ حرکتی ندارد.

به عبارت دیگر، در چنین شیمائی کلمات عاماً و اجمالاً به سه صورت ذیل تلفظ میگردند:

- یا حرف صامت ماقبل "و"، مفتوح است

- یا حرف صامت قبل از "و" مضموم است

- و یا حرف صامت پیش از "و" ساکن است

- حالت چارمی متصور نیست!!!

اگر چنین کلمات با کلمات بعدی در "پیوند اضافی" قرار بگیرند، تزویج دو کلمه "مُضاف و مُضاف الیه" از دو حالت ذیل - بلی؛ از دو حالت ذیل - خالی نیست:

۱ - اگر حرف صامت ماقبل "و" در چنین کلمات، "مفتوح" و یا "ساکن" باشد و ما بخواهیم این کلمات را با کلمات بعدی "پیوند اضافی" بزنیم، حرف "و" مکسور تلفظ میگردد؛ و "کسره اضافه" در زیر حرف "و" چیز دیگر نیست، جز "علامت اضافه"؛ چنان، که گوئیم:

- پیرو دین اسلام، پلو گوشت قاق، در پرتو افکار مدرن، در پرتو چراغی پروانه می شمارم، آبرو خانه همسایه، پایدو حمام، افتو سر کوه، ماتو شو چارده، جلو نقص را هروقت بگیري به فائده است، پیاده رو کوچه ما پخته کاری شده، افکار پیشرو عصر ما، هنوز هم فصل درو گندم است، پلو و چلو مادر یونس نام دارد، "به کهنه خود بساز، که نو دیگران گران است!!!!" (ضرب المثل قدیم و مشهور کابلی)، از برای خدا و افتو روز قیامت، گوئی رگ خو ما ره یافته، ....

درین ارتباط بیٹی ناب از شاعر شهیر و شهید، "داوود سرمد"، را تیمناً ذکر میکنم، که صفحه ۲۹ مارچ ۲۰۲۴ پورتال فاخر "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را مزین ساخته است:

چون رهرو طریق مروّت به داغ ننگ

آلوده هیچ گوشه دامن نکرده ایم

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

شایان تذکر مؤگد میدانم، که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" هم در عرصه "درستنویسی" و هم در عرصه "املای یکدست"، یگانه روزگار شمرده میشود، که ازین نگاه در تمام طیف وبسایتهای "افغانی و ایرانی" - تکرار میکنم «در بین تمام وبسایتهای افغانی و ایرانی» - برایش نظیری پیدا کرده نمیتوانیم. با قاطعیت تام و تمام میتوانم بگویم، که نشرات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در واقع مکتب "درستنویسی" و سمبول "توحید املائی" به حساب می آیند!!!

این بود مثالی چند برای حالت اول از فقره اول.

- مرو چاق(اسم خاص - پاردریا)، سرو لب جوی، سهو قلم، سهو فاحش، نحو احسن، در بدو کلام، محو آثار عتیقه، صحر صوفی، ....

این چند مثال معهود مربوط میشود به حالت دوم از فقره اول.

۲ - و در حالتی، که صامت ماقبل "و" مضموم باشد؛ یعنی "ضمه"(پیش) داشته باشد، در آن صورت است، که بعد از "و" یک عدد "ی" مکسور را به حیث "عائق" می آوریم تا تلفظ ساده و روان را ممکن بسازد؛ چنان، که گوئیم: - کندوی عسل، از گلوی مردکه گرفت، درختان ناجوی باغ ما، لبلبوی شیرین، جادوی کلام، ابروی کمان و یا ابروی پیوست، سادوی شوربازار، نیروی خلاق جامعه، پهلوی ما نشست، سبوی باده را شکست، خشوی فلانی بسیار زلال است، ننوی او در واقع گزدم زیر بوریاست، گلهای شبوی ننگرهار آدم را دیوانه میسازد، شست و شوی مغزی، گفت و گوی دیروزی، در جست و جوی عزیزان گمشده، ....

درین ترکیبات، حرف "ی"(یای مکسور)، که بعد از حرف "و" آخر کلمات موقعیت گرفته است، "علامت اضافه" شمرده میشود!!!

در همینجا باید جداً تذکر بدهم، که ضمن آوردن مثالها از امساک کار گرفته ام؛ یعنی "اضافه روی" را قصداً پیشه نکرده ام. ولی در هر صورت به تکرار می ارزد، اگر بنویسم، که:

- در دسته اول "کسره اضافه" داشتیم؛ یعنی در چنین حالتی، "کسره" در زیر حرف "و"، به حیث "علامه اضافه" شمرده میشود.

- و در دسته دوم "یای اضافه"؛ یعنی "ی"(یای مکسور) بعد از "و" به حیث "علامت اضافه" عرض اندام میکند.

این شرح با تفصیل بالا، در مورد طرز تلفظ و فونتیک "زبان دری افغانستان" صادق است، که کلمات بالا را غالباً "به صورت کتابی" و در هیئت اصلی و اصولی آنها تلفظ میکند، و حتی اگر به "کتب لغت" تحلیلی چاپ ایران از قبیل "فرهنگ عمید" و "فرهنگ معین" نیز مراجعه گردد، عین همین تلفظ را برای چنین کلمات خواهیم یافت، مگر در "فارسی متداول و بازاری ایران" قصه از قرار دیگر است:

چنان، که به چشم سر میبینیم، در "فارسی امروز ایران" - و بالاخص در زبان "مطبوعات و میدیای بازاری و خشره و ارجل" آن سامان، چه "کلاسیک" باشند و یا "انترنتی"، هزاران ابتذال و انحراف رونما گردیده است، و از همین خاطر است، که کلمات "کتگوری اول" را در چنین منابع "غیر معیار" و کاملاً "نامطمئن"، بلااستثناء با "صامت

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

مضموم قبل از او" مییابیم؛ و در چنین حالت است، که در "پیوند اضافی"، به عوض "کسره" در زیر "و"، یک عدد "یای مکسور" بعد از "و" عرض اندام میکند. ازین نکته نتیجه میگیریم، که نوشتن "قلمروی اسلام" از نگاه "فارسی امروزی و بازاری ایران" باید درست پنداشته شود؛ مگر:

مگر طوری، که اشخاص فهیم و آگاه از "ادب زبان دری" میدانند، "زبان دری افغانستان" تا حدّ معتابهی پایبند اصول سامی و متقن و مطمئن این زبان باقی مانده است و از همینجاست، که قاطعانه میتوان حکم کرد، که:

"دری افغانستان" ابتذالات و "انحرافات فارسی امروزی و بازاری ایران" را به رسمیت نمیشناسد؛ و با چنین روحیه ای ست، که "بطلان رواج فارسی بازاری ایران" ثابت میشود!!!

درینجا کلمه "بازاری" را به حیث "قید" برای "فارسی امروزی ایران" ذکر کردم؛ و واقعیت امر هم غیر از این نیست، چون:

چون در "فارسی ادبی" و به اصطلاح "فارسی معیاری" مسأله عیناً به شکلی ظهور میکند، که در "دری افغانستان" تداول عام و تام دارد. جهت تعلیل و توجیه این نکته از یک کتاب متقن و قابل اطمینان ایرانی نقل قول میکنم: در زمره کتب قابل اعتماد چاپ ایران، یکی هم کتابی ست معنون به «مبانی درست نویسی زبان فارسی معیار»، اثر سودمند و ارزنده "داکتر ناصر نیکوبخت". در صفحه ۱۷۱ این کتاب و در ذیل "املائی کلمات در حالت اضافی"، این دو مثال را مییابیم، که دقیقاً جوابگوی موضوع حاضر است:

**"جلو خانه"، "پلو خوشمزه"**

و در صفحه ۱۴ این کتاب این عبارت را میخوانیم:

**«گسترش قلمرو جغرافیایی زبان فارسی»**

این سه مثال نمونه بارز درستنویسی ترکیبات اضافی این سنخ در "زبان ادبی و معیاری فارسی ایران" شمرده میشود، که عیناً با "اساسات املائی دری" در افغانستان تطابق میرساند!!!

با چنین دیدی ست، که "دری زبانان افغانستان" باید به قواعد و اساسات "زبان دری افغانستان" پایبند بمانند و اقتداء و پیروی از "فارسی بازاری ایران" را عیناً "گناه کبیره" بشمارند!!!

با تأسف بسیار باید گفت، که بسا وطنداران ما پیوسته از شیوه غلط "فارسی بازاری ایران" پیروی میکنند؛ و آقای "حامد فارانی" و آن فرد "گمراه" در صدر چین و وطنداران "گمکرده راه" قرار دارند!!!

**و چقدر زشت و ناشایسته و ذلتبار است، که "درست" خود را زیر پای نهم**

**و از "غلط" دیگران، پیروی کنیم!!!**

جهت تأکید مزید در مزید، این نکته را مکرر در مکرر یادآوری میکنم، تا مسأله حلاجی گشته و در "گوشهای کر" و "مغزهای کور" هم بنشینند!!!

عنوان سلسله مقالات آقای "حامدجان فارانی" از دو اشتباه فاحش املائی و دستوری رنج میبرد:

- یکی معامله نادرست "مضاف و مضاف الیه" - "قلمرو اسلام" - در عنوان مقاله

- و دیگری طرز تحریر کلمه "اندیشه‌مند"، که در هیئت غلط "اندیشمند" آورده شده است.

این دو اشتباه نابخشودنی مخصوص "فارسی ایران" است و من چنین اغلاط را، "اغلاط تیبیک فارسی ایران"، عنوان میکنم؛ چنان، که ضمن سلسله مقالات قدیم در پورتال فخیم "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، سخن بسیار در زمینه گفته ام.

در مورد اول به تفصیل سخن رفت و در مورد اشتباه دوم مختصراً مراتب آتی را تقدیم خوانندگان و علاقه مندان «درست‌نویسی» میکنم:

ضمن مقاله چندین هفته پیشم نگاشته بودم، که پسوند "مند" علی‌الاکثر با "اسم معنی" وصلت میکند؛ نه با انواع دیگر کلمات از قبیل "اسم ذات" و "صفت" و "قید" و "فعل" و امثالهم؛ چنان، که در مقاله اول ضمن مثالهای فراوان به اثبات رسید. مثالهای فراوان ذیل مسأله را روشن میسازند:

«زورمند، رجامند، آرزومند، نیازمند، دردمند، غیرتمند، ارزشمند، ارجمند، صحتمند، کارمند، علاقه‌مند، قانونمند، قاعده‌مند، بهره‌مند، شیوه‌مند، صداقتمند، توانمند، قدرتمند، عزتمند، شکوهمند، دولت‌مند، سودمند، ارادتمند، طالع‌مند، ... و صدهای دیگر»

قسمی، که در تمام طیف این ترکیبات به مشاهده میرسد، پسوند "مند" در اکثریت مطلق حالات، تنها با "اسم معنی" پیوند میخورد. البته در تمام طیف این ترکیبات به مثالهای بسیار زیاد نادری از قبیل "تنومند" و "پیروزمند" هم برمیخوریم، که اولی مرکب از "اسم ذات" و "مند" است و دومی مرکب از "صفت" و پسوند "مند"؛ این مثالها مگر واقعاً هم بسیار نادر و خارج از اعتناء و التفات و اعتبار هستند و اگر از نگاه عقلی بسنجیم، ترکیب "پیروزمند" اصلاً "پایه منطقی" هم ندارد؛ مگر در هر صورت از وجودش انکار کرده نمیتوانیم. یک نکته مگر کاملاً ثابت و مُحَرَّر است، که:

### پسوند "مند" هیچگاه با "فعل" از دواج نمیکند!!!

ازین سبب طرز تحریر ترکیب عنوان مقاله آقای "حامدجان فارانی"، تنها و تنها در هیئت "اندیشه‌مند" درست است و بس؛ چون:

- چون کلمه "اندیشه" صریحاً "اسم معنی" از مصدر "اندیشیدن" است!!!

و اگر این کلمه به شکل و در هیئت "اندیشمند" نوشته شود، بدین معناست، که پسوند "مند" را با "فعل امر" و یا با "ریشه مضارع" فعل "اندیشیدن" پیوند داده ایم؛ بلی چون:

کلمه "اندیش" صریحاً و بدون کوچکترین شک و شبهه ای، "ریشهٔ امر/مضارع" از مصدر "اندیشیدن" است و از همین خاطر هم ترکیب "اندیشمند" غلط فاحش و نابخشودنی دستوری شمرده میشود، که در "فارسی بازاری ایران" تداول عام و تام دارد!!!

اگر "شیرغلتی" روا باشد، میخواهم بگویم، که "زبان دری/فارسی" از زمرهٔ "زبانهای ترکیبی" به شمار میرود؛ و این نکته چنان صراحت مفهوم دارد، که حاجت به شرح و بیان نیست. با این هم کتگوری بی را، که اینک معرفی میکنم، ممثل بزرگ "ترکیبی بودن" این زبان است. این کتگوری لغات لااقل از یکهزار سال بدین طرف فعال است و این بدین معناست، که این "شیوهٔ ساختمان" لغات همیشه فعال بوده است و به ظن قوی فعال خواهد ماند!!!

در بالا گفتم، که ایرانیان "اغلاط تپیک" در زبان تقریر و زبان تحریر خود دارند؛ ازین جمله یکی هم تلفظ و تحریر کتگوری و طیف بزرگی از ترکیبات است، که کلمات ذیل را به حیث ممثل و شاهد برانندهٔ آنها معرفی میکنم. بدین منظور دو دسته از ترکیبات فراوان و بلکه نهمار و بیشمار ذیل را مد نظر میگیریم، که "فارسی ایران" در تحریر و تقریر آنها مشکلات صریح و تپیک دارد:

۱ - علاقه‌مند، سرمایه‌دار، دسته‌جمعی، سایه‌بان، بهره‌مند، اندیشه‌مند، شبانه‌روز، دیده‌بان(لغت شاهنامهٔ فردوسی)، پشمینه‌بافی، پیشه‌ور، کوفته‌گر، ریشه‌دار، آئینه‌ساز، آئینه‌دار(لغتی از زبان حضرت حافظ شیرازی)، آئینه‌ساز، قلبه‌گاو، سره‌نویس، خشره‌خور، رشوه‌خوار، وزنه‌بردار، آئینه‌مصحف، خانه‌خراب، خریطه‌ساز، سرمه‌دانی، میوه‌دانی، سینه‌مالی، خانه‌تکانی، کته‌سر، ماچه‌خر، خاله‌بازی، شیشه‌گری، قصیده‌سرای، شیره‌کش، پرده‌پوش، خرکه‌پوش، باده‌نوش، خانه‌بدوش، سحنه‌ساز، مرده‌تار، نامه‌نگار، افسانه‌گوی، بذله‌گوی، خنده‌دار، کوفته‌چلو، سلسله‌دار، دریوزه‌گر، نیله‌باغ، شاشه‌بند، شاشه‌بورد(شاشه‌بُرد)، پخته‌پرانک، حلقه‌دوانک، تشله‌بازی، سانقه‌بازی، دنده‌کلک، قیمة‌پلو، کمره‌بردار، خامه‌پرداز، قره‌کمر، ریشه‌کن، سرمه‌سای، قورمه‌چلو، عمه‌ببو، خاله‌کوکو، مرده‌شوی، مرده‌دار، مزه‌دار، خیره‌سر، عشو‌گر، رمه‌چران، آئینه‌بندان، شوره‌زار، خیل‌خند، خنده‌روی، حمله‌ور، شیره‌کش، غوله‌دان، بقچه‌بردار، چله‌گریز، زمینه‌ساز، نغمه‌سرا، خاله‌رویک، دنباله‌دار، دنباله‌رو، دیده‌درا، لاله‌ستان، لاله‌زار، هنگامه‌جوی، نواله‌خوار، علاقه‌دار، زباله‌دان، شانه‌دار(چارشانه)، شانه‌سرک(هتوتک یا هدهک)، پرده‌دار(ترکیبی از گلستان سعدی)، بونده‌باز، چغه‌سرای، قلعه‌کشای(ترکیبی از استاد خلیلی)، همیشه‌بهار(نوعی گل)، ...

در ترکیبات بالا، که طیفی بسیار وسیع - چه در زبان ادبی و چه در زبان گفتاری و عامیانه - دارند و شمار آنها از حد و حصر و مرز احصاء هم بالاتر می‌پرد، کلمات اول آنها، همه و بالاستثناء مختوم به "های غیر ملفوظ" میباشند. کسانی، که با قواعد مربوط به "های غیر ملفوظ" آشنائی کافی دارند، جداً میدانند، که "های غیر ملفوظ" در چنین

د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ

ترکیبات همیشه و مدام الوقت "مفوظ" هستند و هرگز و هیچگاه از بین نمیروند. مگر مردم قدیم و بیحد فهیم و بافر است کابل مُدام این مثل را بر زبان میراندند، که:

«أو زور سربالا میره!!!»

و چنین "سرزوری" را در "فارسی مسلط ایران"؛ یعنی "فارسی امروزی و بازاری و غیر جدی ایران" به چشم سر دیده میتوانیم، چون چنان، که بارها به اثبات رسیده است، اگر چنین ترکیبات به ایرانیان - و بالاخص به ایرانیان "کم‌جاغور" و "کم‌سویه" - عرضه گردند، خواهیم دید، که لااقل هشت ترکیب اول این مجموعه را - چه در تقریر و چه در تحریر - با حذف "های غیرملفوظ" و در شکل و هیئت ذیل استعمال میکنند:

«علاقمند، سرمایدار، دستجمعی، سایبان، بهرمند، اندیشمند، شبانروز، دیدبان، ....»

و چنین کاری، بدعتی ست، که در قطی عطار هم نمیگنجد!!!

بلی؛ ایرانیان - بالخاصه ایرانیان ناآگاه و بازاری و خشره‌نویس - لااقل هشت ترکیب اول این مجموعه را در هیئت غلط و دور از فصاحت و بلاغت و ولی در هر حال "خلاف دستور زبان" و در هیئت ذیل تلفظ میکنند و مینگارند:

«علاقمند، سرمایدار، دستجمعی، سایبان، بهرمند، اندیشمند، شبانروز، دیدبان، ...»

و اگر دسته دیگری را مد نظر بگیریم، به "ترکیبات عطفی" یی میرسیم، که ایرانیان با آنها همیشه و مدام الوقت در مخمصه و مخاصمت به سر میبرند:

۲ - جست و جو، گفت و گو، شست و شو، ...»

ایرانیان "ناآگاه و کمسواد و خشره نویس و بازاری"، این ترکیبات را - چه در تقریر و چه در تحریر - همیشه با حذف "واو عطف" و در هیئت غلط «جستجو، گفتگو، شستشو، ...» استعمال میکنند!!!

به عرض عزیزان خواننده و علاقه‌مندان "درست‌نویسی" میرسانم، که نکته اول صریحاً به بحث "های غیر ملفوظ" و ملحقات آن ارتباط میگیرد؛ و من برای اولین بار حدوداً سی سال پیش در جریده "امید" - چاپ "سن دییگو" (کلیفورنیای جنوبی) - ضمن یکی از قسمتهای سلسله "از امید به امید" در زمینه چیزهائی تقدیم کرده بودم!!! وقتی نوبت به مبحث "های ملفوظ" و "های غیر ملفوظ" رسید، در زمینه مشرح و تا سرحد اشباع سخن خواهم گفت. مگر برای دفع الوقت همینقدر میگویم، که:

در ترکیباتی، که قسمت اول آنها کلمات مختوم به "های غیر ملفوظ" باشد، به هیچ صورت و هرگز اجازه نداریم تا "های غیر ملفوظ" را حذف کنیم و از میانه برداریم!!! این یک قاعده کلی و اصیل "صرف زبان دری/فارسی" ست و کسی، که بدان عمل نمیکند، "بیسوادی" خود را درین زبان نمایان میسازد!!!

بعد از شرح و تفصیل مبسوط و مکرر در مکرر موضوع اینک وقت آن رسیده است، تا سؤال عنوان مقاله را جواب بدهم. عنوان مقاله چنین است:

«چرا آقای "حامد فارانی" بر اشتباه املائی خود "لکه ونه مستقیم پخپل مکان دی؟؟؟"»

د پانوی شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکې په ځير و لولئ



بلی؛ باید پرسید، که چرا وطندار گل ما، "حامدجان فارانی"، اشتباهات عنوان سلسله مقالات خود را اصلاح نمیکند؛  
و اندرین عرصه به هیچ استدلالی اعتنایی هم ندارد؟؟؟

### جواب:

جواب من اینست، که "حامدجان فارانی" این سلسله مقالات را از منابع ایرانی - آن هم منابع غیر جدی ایرانی -  
اقتباس میکند؛ و چون در اصل متون مورد اقتباس این سلسله، چنین آمده است، ازین سبب "حامدجان فارانی"، اجازه  
تصحیح را به خود داده نمیتواند؛ بس خلاص!!!  
امید است، که با عرضه این مقاله مشرّح و بلکه "ما فوق مشرّح"، حتی آن "کامنتنگار نافی و نافی" هم به اشتباهات  
صریح و غیر قابل انکار خود پی برده باشد!!!

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۹ اپریل ۲۰۲۴)

---

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ